

خاک تشین

www.ketab.ir
جلد سوم

محمد مهریزی

مهریزی، محمد. ۱۳۱۸

خاک نشین جلد سوم / سراینده محمد مهریزی (درویش) - - قم: هدی، ۱۳۹۴.

ISBN : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۷۴ - ۸۱ - ۳

فهرست نویسی بر اساس فیبا.

۱. شعر فارسی - قرن ۱۴. الف، عنوان

PIR : ۸۲۲۳ / ۴۸۸ خ ۲

۱/۶۲ تا ۸ خ ۸۸۶ م

۶۵۷۸/۱۲

۱۳۹۴

خاک نشین جلد سوم

مولف : محمد مهریزی

ناشر : انتشارات هدی

لیتوگرافی :

چاپ : سبحان

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۴

قطع و تعداد صفحات : وزیری - ۳۱۲ صفحه

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه آرایی : مهندس علی اکبر مهریزی

طرح جلد : سید جلال طباطبایی سرشت

قیمت : پانزده هزار تومان

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۷۴ - ۸۱ - ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام آفریننده جهان، واقف سزنان، رازق بشرو نبات و حیوان، مالک روح هر جنبه به هر مکان
، بخشنده مهربان، از ابتدایان، ندا دهنده بر خاتم پیمبران، محمد مصطفی (ص)، دود بر بزرگ مرد
عالم بشریت که گفتار الهی را بر بندگان او منتقل نموده و خود بر سفارش ذیه خود و آن کتاب آسمانی
سفارش فرمود، سلام بر تمام انبیا و اولیا و صالحین و ائمه طاهرین که هر یک در هدایت بشریت سهم والا
داشت و معلم اخلاق و رفقا نیک بر بندگان خدای متعال بوده تا بشر را از کمرای نجات دهند.
شرح گفتار در توصیف پروردگار نامکن درک و فهم بشر در برابر قدرت او ناپاییز، دست و قلم توان ایسکه
تواند کوشه ای از خلایق این عالم حتی را به تحریر یا تصویر آورد عاجز و جز ایسکه در برابر لطف و
کرامت و عظمت آن نمی توانا تسلیم گردد راهی توان یافت.

پروردگارا، اگرچه قدرت کلام، گردش زبان، نیرو و توان، ثبوت این گفتار بدون قدرت تو ناممکن است ولی این بنده ناچیز بجهت شکر بجا آورده که به لطف و کرم بزرگواری تو توان ایمنه قبل از تسلیم کردن جان که آنهم امانت از طرف مالک جان که خود حتی ممکن شد بخارم ممنون حتم.

خداوند اگرچه قابل یکتا و توان شکر گذاری که سراوار تو باشد ندارم ولی بر کرم و بزرگواری آفریننده این عالم حتی امیدوارم.

مورم و افتاده به خاک رهم خود تو بخشای اگر کرمم

از کرمت کم نشود هیچگاه آمده و میش به صد اشتباه

پروردگارا، زبان شکر آن همه نعمت یابی که بر این پیر ساخوده عطا شده ندارم و خود را لایق بر این همه لطف و کرم نمیدانم، چون علل خیری که لایق بر اشاره کردن باشد ندارم، بهی دانم نمی دانم و بر

نادانی خود در پیشگاه خالق خود اعتراف می نمایم.

آیا بر بنده بخیر خود که قاطعانه بر ندانستن اقرار دارد نمی، بخشایی که بارها خوانده ام تو ارحم الراحمین و بر
بخششگی تو اقرار داشته و امیدوارم.

و اما عزیزان نگاشته مانند لازم می دانم خود را حضور شما بزرگواران معرفی نمایم برادر کوچک شما محمد میرزی
ساکن قم - دهستانی چرازگاهی بر تخلص ایجاب ایراد وارد کرده که چرا در پیش، عزیزان اشتباه نشود به
لفظ عامیانه یعنی صاف و ساده، بدون ریا و تکبر از نظر بنده چیز دیگری می مانند ارد. از اساتید محترم برادران
ارجمند که این مجموعه را مطالعه می نمایند تقاضا دارم اگر نواقصی مشاهده نموده لطف نمایند و این برادر خود را
ارشاد کنند چون برادر کوچک شما تحصیلات عالی ندارد با کمترین سواد به ثبت این کفایت اقدام کرده، بر
خود واجب می بینم از استاد محترم برادر بزرگوارم جناب آقای ابوالفضل احمدزاده کمال شکر و قدر دانی
را داشته باشم، این بزرگوار در زمان جمع آوری سه مجموعه دست برادری داده و بنده را ارشاد فرموده اند
، هرگز زحمات با ارزش ایشان را فراموش نخواهم کرد، دیگر اینکه در همین مجموعه از فرزند عزیزم جناب
آقایهندس علی اکبر میرزی و همسر محترمه ایشان که زحمات تایپ و ویراستاری هر سه جلد را عهده

دار بودند شکر و قدردانی می نمایم و نیز از همسر عزیزم که این پیرساخته را حمایت کرده و همیشه زحمات
 زندگی بر عهده این بانوی محترمه بوده قدردانی می نمایم ، همه عزیزان مخصوصاً فرزندان در حد توان مرا
 یاری نموده و بمکری کرده اند ، از همه نورچشان خودم شکر می نمایم ، امیدوارم در تمام عمر زندگی با نشاط
 داشته باشند ، دست بزرگان اهل ادب را می فشارم ، دوست دارم که یاریم کنند ، ثواب این مجموعه
 را اول هدیه کردم به مولایم امام زمان و بعد به روح پدران و مادران گذشته خود ، امیدوارم که از این خیر
 صغیر راضی بوده باشند . والسلام

فهرست

ردیف	عنوان	قطعات	صفحه
۱	پیشگفتار	به نام آفریننده جهان	۴
۲	حمد و ثناء	حمد خداوند زمین و زمان	۲۳
۳	به نام خدا	به نام خداوند بخشنده مهربان	۲۴
۴	عشق حق	تا عشق تو ام به دل نمان است	۲۵
۵	نماز	یا بار خدای درونت درخت توبه بکار	۲۶
۶	محمد رسول الله (ص)	الانعام محمد به جامه وفا شد	۲۷
۷	آمده ام	آمده ام تا بنایم بچو	۲۸
۸	ماه رمضان	مژده ای دل که ذکر باره رسید	۲۹
۹	شهر من قم	افتخار من است شهر قیام	۳۰
۱۰	ماه رمضان (۲)	رمضان کز چه تو ماه جدی	۳۱
۱۱	آوای قم	می رسد در قم صدای رهبر و الامام	۳۲
۱۲	شیرباد	شیرباد شیر جانم بدان	۳۳

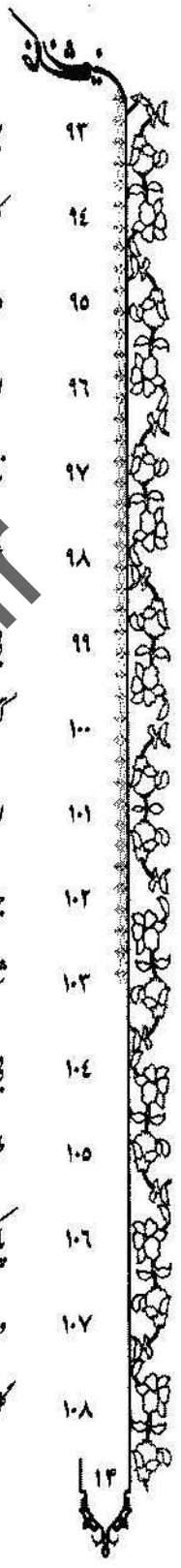
۱۳	ماه در شان	ای نور جالت همه جا شمع محافل	۳۴
۱۴	یاجده سادات	در همه جانام محمد (ص) بجاست	۳۵
۱۵	خون و محراب	در دیوار می ناله به داغ حیدر کرار	۳۶
۱۶	یاد همه برعلیت (ع)	نغمه جهان یاد همه برعلیت	۳۷
۱۷	عشق ولایت	دیدم به خواب ناز که در باغ لاله ام	۳۸
۱۸	سکر حق	سکر خدا ناظر بر انس و جان	۳۹
۱۹	شب عاشورا	آسمان می گریه اشب در عزای کرلا	۴۰
۲۰	آینه حق	آینه حق ناصحه ماه علی	۴۱
۲۱	مترل آخر	نقته بر این خاک ز پیر و جوان	۴۲
۲۲	ابری گریه	ابری گریه و شمع گریه و من همه کرمان	۴۳
۲۳	شافع مشرعلیت	علی ای یاور احمد گل دین بعد محمد	۴۴
۲۴	چشم به راه	هر چند که عمری به فراق تو نشستم	۴۵
۲۵	شب خیز	ای شب از روز شکایت دارم	۴۶
۲۶	عشاق آب	نشان شد نور خورشید و برون شد ماه عالمتاب	۴۷
۲۷	زبان شمر	شبی بزمی باشد عارفانه	۴۸
۲۸	نام نیک	سکاه مبرکه که بانی در این جهان ای دوست	۵۰

۵۱	زارعی از دیار شهر قلم	زار امام رضا (ع)	۲۹
۵۲	بی عشق حسین دل به خدا راه ندارد	عشق حسین	۳۰
۵۳	بوسم من جمال ماه استاد	تجلیل از معلم	۳۱
۵۴	یک شبی در محلی همان شدم	محفل کرم	۳۲
۵۵	حمد الله محرم عالم	در مهمای ماکم آمده او	۳۳
۵۶	ای شب ای محرم اسرار نمان	راز شب	۳۴
۵۸	دیده روشن می شود که ماه رخسارت بیند	گاه شب	۳۵
۵۹	ماه همان خسرو خوبان علی	یا علی	۳۶
۶۰	که چه در بحر این زندگم	ابلی قلم	۳۷
۶۱	یاد باد آن روزگار آن قدیم	یاد باد	۳۸
۶۳	یاد دلا که حالت به خواب می یوم	فال حافظ	۳۹
۶۴	کریما این زمین تشنه دریا ب	نعت آب	۴۰
۶۵	عشق یعنی دل تری کردن ز خشم	عشق پاک	۴۱
۶۶	من در محم که میوه دارم بار	سکوه درخت	۴۲
۶۸	چه توان کرد به یاری که دل از ما خون کرد	تماشای گل	۴۳
۶۹	دختری پاک و دلربا بودم	زهر افیون	۴۴

۴۵	محرم راز	دلایه یاد تو اشب به گریه رو کردم	۷۱
۴۶	کووکی	کووکی بودم ز رنگ و تیرنگ	۷۲
۴۷	راز دل	ساقیا جان و دلم در پی دلدار برفت	۷۳
۴۸	نقطه دیدار	ساقیا دیوانه ام ز نخیب نیست	۷۴
۴۹	یاد پدر	ای خسته به خاک تیره آسوده پدر	۷۵
۵۰	غم فراق	شب شد دوباره بادل خود گفتگو کنم	۷۶
۵۱	جمال خالق	شب در خواب دیدم چهره یار	۷۷
۵۲	عل شکل سحر	مرا به کاه نگاه تو سالها نظر است	۷۸
۵۳	اسب سرکش	کوش کن با برای شاد و غین	۷۹
۵۴	بی خبر	بی خبر دلبر از این کعبه ویرانه برفت	۸۳
۵۵	خواب می بینم	دوباره ماه جالت در آب می بینم	۸۴
۵۶	تکیده چشم	باز آ می که شب تا به صبح خواب ندارم	۸۵
۵۷	کوی سالندان	شدم وارو به کوی سالندان	۸۶
۵۸	ماجرای زیر میزی	شنیدم این روایت از عزیز می	۸۸
۵۹	مطای من	ثانی مریم یا مطایبین	۸۹
۶۰	چرخ کعبه	دلم همراه دلبر در سفر شد	۹۰

۶۱	خزرائندی	۹۱	یابشو حدیث این دل ریش
۶۲	ناتوان	۹۲	موج دیاسیر قطران ربود
۶۳	چه خبر	۹۳	ساقیازی و دلبر چه خبر
۶۴	پارک محله	۹۴	سیاه پادک و بین عاشقان دیروزی
۶۵	سرسنمان	۹۵	خلقت حق هر چه که بینی بجاست
۶۶	قاصد یار	۹۶	ای یک سحر یار من زار نمیدی
۶۷	چشمه طاهر	۹۷	شرح سخن می کنم از روزگار
۶۸	قوس و قزح	۹۸	ولامیان دو دست خناب می بینم
۶۹	گذشت عهد قدیم	۱۰۰	گذشت عهد قدیم و وفای مردانش
۷۰	خزربی پول	۱۰۱	عید آمد و عیب امان شد
۷۱	قطره	۱۰۲	یک گل چرا ز لعل بست و انمی شود
۷۲	دل و دل و دل	۱۰۴	باز این دل بی قراری می کند
۷۳	بهاریه	۱۰۵	بهار آمد نهال از خواب برخاست
۷۴	صدای ناله	۱۰۶	مرا به حسرت دیدار خود نشاندی و رفتی
۷۵	زمان برفت	۱۰۸	زمان برفت و نیند زمان دیدارت
۷۶	شب قدر	۱۰۹	مسجد اشب غرق در خون می شود

۷۷	سال درگاه حق	۱۱۰	که کشوی لب ز من که دوختی
۷۸	مطر	۱۱۱	درون سینه خود قلب مهربان داری
۷۹	ماه جگران	۱۱۲	ماه جگرانی نور دیدگانی
۸۰	جرم پوش	۱۱۳	توان از جان برفت و ناتوانی کشت ممان
۸۱	فریب یکان	۱۱۵	بی وفارفت ز کشور بیرون
۸۲	نمای نی	۱۱۶	شنیدم یکی گفته از مرد کار
۸۳	لبخته	۱۱۷	شب است و چشم بد مانده از تویی خبرم
۸۴	درخت	۱۲۰	من در غم که ندارم آزار
۸۵	ماه پنهان	۱۲۱	نقاب چهره بماند از ماه نیمه ماه
۸۶	دیر مرعجب	۱۲۲	یابشو حدیث پیر بی خواب
۸۷	روی ماه	۱۲۳	باغ و راغ اشب گلستان می شود
۸۸	هز قلیان	۱۲۵	شمار مار اگر فتنه قلیانی
۸۹	همنوا	۱۲۶	ز نیزار شدنی در آبی روان
۹۰	مستی تو مستی	۱۲۷	قلم از تو جان از تو جان تو مستی
۹۱	پاییز	۱۳۰	باغ رکین شد ز پاییز دگر
۹۲	قمر مالی	۱۳۱	مینوار فتنه برون از خانه



۱۳۲	رہ نموده یکی تیر غزہ باورش این است	بود و نبود	۹۳
۱۳۵	شاعری غیر از کلام عام نیست	کلام عام	۹۴
۱۳۶	درد دیگر دوست افزون از من است	درد دوست	۹۵
۱۳۷	خلقت حق را بہ تماشا شدم	افسانہ خون	۹۶
۱۳۸	دل بہ دست کہ پیدام کہ بہ خوش کمشد	نام یکسو	۹۷
۱۳۹	شنیدم گفتہ ای از مرد چوپان	مرد چوپان	۹۸
۱۴۰	ساقا فکر من دیوانہ کن	بی خبر	۹۹
۱۴۲	شنیدم نبر از مسجد براشت	گفتگوی چوب	۱۰۰
۱۴۳	یک درختی بہ کمر گاہ کوه	انجیر کوی	۱۰۱
۱۴۴	فاش گویم بہ خود چاک کردم	چاکار	۱۰۲
۱۴۶	شب شد و خطہ آرا من چنان	شب و شب	۱۰۳
۱۴۷	مسترم تا کہ در این شاعرہ	بی قرار	۱۰۴
۱۴۹	پیر مردی سپردہ شد بر خاک	ختر ارث	۱۰۵
۱۵۰	دوریت را کی تحمل می توان	پاک باش و بی ریا	۱۰۶
۱۵۳	شرح سخن می کنم از عشق پاک	وعدہ دیدار	۱۰۷
۱۵۴	بوی تو حس می کنم از جای تو	گل خوشبو	۱۰۸

۱۵۶	عظان به خون شده ماه عالم تاب	شب قدر	۱۰۹
۱۵۷	اول حرکار توکل بجاست	سرباز پیر	۱۱۰
۱۵۸	از چه بی زخم زبان می زنی	زخم زبان	۱۱۱
۱۶۰	خاطراتی مانده از شب یادگار	راز شب	۱۱۲
۱۶۱	خواب می دیدم چه خوابی چونک	قربانی اشیاء	۱۱۳
۱۶۲	همدم مارفت خدا یاد او	به یاد رفته	۱۱۴
۱۶۳	دوباره یاد جوانی و شور و مستی شد	تلاش پیری	۱۱۵
۱۶۴	شرح حال گمنامزار قم است	بازار قدیم قم	۱۱۶
۱۶۵	منم و بیچاره آن مرد آزاد	دیلمهر سوار	۱۱۷
۱۶۷	دلا مقابل خود قرص ماه می بینم	ماه روبرو مادر	۱۱۸
۱۶۸	آنچه باید گفته می شد گفته ایم	غنحور تو	۱۱۹
۱۶۹	جابل آن نیست که از حق بجا کرده دفاع	حق طلب	۱۲۰
۱۷۰	روان کشتن به طاق کوه گفتار	کوه گفتار	۱۲۱
۱۷۱	چگونه وصف تو گویم که مادی مادر	مادی مادر	۱۲۲
۱۷۳	گر که قادر و زمانی به زمین باید رفت	باید رفت	۱۲۳
۱۷۴	سارقی بر بام شد بیکار را	دزد ناشی	۱۲۴

۱۲۵	پاک باش	رخ پوشان ز مردمان زمان	۱۷۵
۱۲۶	سما	این مهاخوانی هم دید نیست	۱۷۶
۱۲۷	ست فقر	شبی در راه بر کنجی نشستم	۱۷۷
۱۲۸	شتاب کن	ساقی یار باوه و مارا خراب کن	۱۷۸
۱۲۹	مهر غم اشتیاد	ای داد ز سیکار و دو صد داد ز قلیان	۱۷۹
۱۳۰	لراق	روزم به انتظار فراقت به شب رسید	۱۸۱
۱۳۱	پیشین	نه ست از آب انگورم نه از محبوب خود دورم	۱۸۲
۱۳۲	نهور ماه همان	ساقی اشب ماه ظاهر می شود	۱۸۳
۱۳۳	راه مستقیم	آنچه برای رسید لطف خداست	۱۸۴
۱۳۴	خالق عشق	السلام ای خالق عشق نمان	۱۸۵
۱۳۵	زستان و فقر	زستان با فقیران کمک دارد	۱۸۶
۱۳۶	کتاب دروغ	پیرانیز از گفته ناداست	۱۸۷
۱۳۷	مقرر	حاشاکه عشق روی تو از سر بدر کنم	۱۸۸
۱۳۸	موی سید	به روی سرنمایان شد سیدی	۱۸۹
۱۳۹	ابزار محاکم	عاطلی مجنون صفت شد فی سوار	۱۹۰
۱۴۰	بنده نیازمند	به عشق صاحب خانه طواف خانه نمایم	۱۹۱

۱۴۱	درد فراق	از فرات سوختم در سوز تب	۱۹۲
۱۴۲	خفتگان کورستان	غمت بر خاک تیره عاقل و مست	۱۹۳
۱۴۳	آبرو	این نصیحت بشوای یاد عزیز	۱۹۴
۱۴۴	نور در شان	بر اقطار نشستم که روی ماه تو یمنم	۱۹۵
۱۴۵	اربعین حسینی	معمری دیگر پیا شد اربعین	۱۹۶
۱۴۶	تظاره گر	به یک نگاه ربودی دلم چه چاره کنم	۱۹۷
۱۴۷	حسن یوسف	حسن یوسف در کجا و حسن یاد	۱۹۹
۱۴۸	مژده بهار	مژده ای دلی که بهار آمده است	۲۰۰
۱۴۹	قناعت	باقناعت خوشن ای مرد وفا	۲۰۱
۱۵۰	ظفر برق	به شب چو برق رود خانه بچو تابوت است	۲۰۲
۱۵۱	خران	برک خزان کرده طلایی زمین	۲۰۳
۱۵۲	موی سپید	موی سپید آمده بیرون ز روی سر	۲۰۴
۱۵۳	بر یاد پدر	ای پدر ای در همه جا رحما	۲۰۵
۱۵۴	بوسیدن دستار	تادر آغوش من آن کیسوی طرار تو شد	۲۰۶
۱۵۵	دوستدار طبیعت	سلام ای دوستداران طبیعت	۲۰۷
۱۵۶	قسم نامه	قسم بر قناعت و بجوی مادر	۲۰۸

۲۱۱	بر عهد رسول خدا مرد دین	سیاه سید دل	۱۵۷
۲۱۲	آمدی از بر دیدارم ولی دیر آمدی	غم فراق	۱۵۸
۲۱۳	کیم بنده ای خطاکارم	خطاکار	۱۵۹
۲۱۴	بر شب دیده به در دوخته بر دیدارت	حسرت دیدار	۱۶۰
۲۱۵	عاشقان جامی دگر دارم به دست	تارک دنیا	۱۶۱
۲۱۶	تاری از موی پریشان بر من از روی وفا	دام عشق فی دامن بلا	۱۶۲
۲۱۷	خرمنی از موی بر سر داشتم	چند سحر	۱۶۳
۲۱۸	ساقا اشب سحر در کار نیست	سحر حق	۱۶۴
۲۱۹	مکن اسراف که جان در خطر است	اسراف مکن	۱۶۵
۲۲۰	اگر رخسار تو گلگون زمی ناب کند	لایق خدمت	۱۶۶
۲۲۱	کتب و کوکبی و ثور و شمشیر	کتب ملا باجی	۱۶۷
۲۲۲	نیتم شاعر مدیحه سرا	غم عاشورا	۱۶۸
۲۲۳	به راهت آشیان کردم دلا میاد من بلشی	میاد من	۱۶۹
۲۲۴	من ز خاکم روح من از خاک نیست	از خاکم و به خاکم	۱۷۰
۲۲۵	دریای عشق بی غم طوفان نمی شود	به یاد عشق	۱۷۱
۲۲۶	به عشق روی تو مادر همیشه دلا شوم	دعای مادر	۱۷۲

۱۷۳	غلام درگاه	نقاب چهره براند از تائیم ماه	۲۳۳
۱۷۴	پیر روزگار	من پیر روزگارم و پیری بهمانه نیست	۲۳۴
۱۷۵	اسیر لانه	ساقی اشب خدمتی جانان کن	۲۳۵
۱۷۶	درد اعتیاد	درد بی درمان دوران اعتیاد	۲۳۶
۱۷۷	گل و گل	از غنچه ناز کتر گل روی تو دیدم	۲۳۷
۱۷۸	زائر شهر قمر	بشو همان به شهر قمر و فاین	۲۳۸
۱۷۹	تقدیم به غزل و عمل تاجیک	غزل زیبا عمل ماه زمین است	۲۳۹
۱۸۰	بیدار کن	سایا بامی دعا کن درد من	۲۴۰
۱۸۱	مرا بس	خوشم کردم گوی تو باشم	۲۴۱
۱۸۲	وصل یار	باد آمد و موسم بهار است	۲۴۲
۱۸۳	یاد بود	خادم مردم اگر بودی خدا را بنده ای	۲۴۳
۱۸۴	شهر قاسم بن موسی بن جعفر (ع)	شهر قاسم کردار فنی بین	۲۴۴
۱۸۵	سلام کنید	عزیزان و خوبان سلام کنید	۲۴۵
۱۸۶	خاموش	به حال خویش گریانم چوی دانم نمی دانم	۲۴۸
۱۸۷	خنده بیا	خنده بیا تو را رسوا کند	۲۴۹
۱۸۸	چشم به راه	درون کعبه اتران و مقبره محام	۲۵۰

۲۵۱	در فصل خزان که باغ رنگین شده است	طبیعت پاییز	۱۸۹
۲۵۲	مستقر ماندم که تا یمنم جمال ماه را	مور در راه	۱۹۰
۲۵۳	این روایت کوش کن ای ابل دل	غیر خنم	۱۹۱
۲۵۴	ساقی نظرب جام و بسوی نکرده ام	تبی دل	۱۹۲
۲۵۶	چو مرا باد برد کوی به کوی	تبدیل دیداری	۱۹۳
۲۵۷	زمی رخسار رنگین دارم امشب	بی قرار	۱۹۴
۲۵۸	مانده ام چشم به در مانده به دل مبر و قرار	دیدار ماه	۱۹۵
۲۵۹	ساقیا پنهان کن آن جام و بسو	جام و بسو	۱۹۶
۲۶۰	چو مرکب آید طیب از تب بسوزد	تب طیب	۱۹۷
۲۶۱	جواب چهره بر اندازد و رخ نمایان کن	سائل چشم به راه	۱۹۸
۲۶۲	ما عاشق دیدار امین و سوسام	عشق ناراضه	۱۹۹
۲۶۳	کلی که پاس نمودی به روی دامن من	توباشی و من	۲۰۰
۲۶۴	شرح سخن می کنم از نور صین	فاطمه علی بن بنت امام حسین (ع)	۲۰۱
۲۶۵	زستان می گذارد سوز سرما استخوان مارا	زستان و خن	۲۰۲
۲۶۷	آمد عزرائیل روزی بر زمین	عزرائیل در خدمت ابراهیم	۲۰۳
۲۶۸	کردم طلب درمی گران در طوف تم در بکران	در بکران	۲۰۴

۲۰۵	کلم کرده	پیر مردی نیمه غم در راه بود	۲۶۹
۲۰۶	تصویر مادر	سرمد به ششم غبار راه ماری کنم	۲۷۰
۲۰۷	غم دوران	شد به صحرای چو چوایان بارمه	۲۷۲
۲۰۸	دلپاش	روز و شب هر چه مرا جنگ و جدل باغش است	۲۷۳
۲۰۹	تنها منم	قایق بکسته دریا منم	۲۷۵
۲۱۰	پیر غافل	پیر شدی و نشدی مرد راه	۲۷۶
۲۱۱	غم ساربان	به عهد قدیم و به شور جوانی	۲۷۷
۲۱۲	مقطر به محله	سایه خاندان یک مامور کن	۲۷۸
۲۱۳	مرکز بی خبر	ایل غم یار مرا خاک کرد	۲۸۲
۲۱۴	گریان نلایه	از فراق دید بر نلایه گریان کرده ام	۲۸۳
۲۱۵	کوه نمک	شد کوه عارف از بر نمک	۲۸۴
۲۱۶	حلاک دیدار	سینه دارم از فراق چاک چاک	۲۸۵
۲۱۷	پاپوس امام رضا (ع)	به سالی دو نوبت مرا شد نصیب	۲۸۷
۲۱۸	به یاد فرزند رفته	رفیق و بهرم فرزند با وفا دار	۲۸۸
۲۱۹	خاک نشین	خاک نشین من و ممت ز خاک	۲۸۹
۲۲۰	عشق وطن	عاشقم عاشق خاک و وطن	۲۹۰

۲۹۱	ندارم چاره ورنه سنگ قبرت خاک می کردم	مادر	۲۲۱
۲۹۲	بشو این باغرای تنخ و خزن	جانناخته کور	۲۲۲
۲۹۳	ساقی یار باده و تخم کلام کم	جمال یار	۲۲۳
۲۹۶	گر به حال احتضار افتاده ام من در قفا	احدای عضو	۲۲۴
۲۹۷	گرچه پیرم دل جوانی می کند	دل غافل	۲۲۵
۲۹۸	فدای قامت زیبا و خنده های بخت	فدایی	۲۲۶
۲۹۹	صباخوانان سلامی عارفانه	تقدیم به سرچشمه آموزگار صبا	۲۲۷
۳۰۰	سر از میخانه بیرون کن خدای خواب می آرد	خواب خدای	۲۲۸
۳۰۲	صورت از شرم کرده ام نیلی	وداع با فاطمه	۲۲۹
۳۰۳	نور رویت چه بارگی میانه رسید	لطف یار	۲۳۰
۳۰۵	ای بت نازنین یا آه درون من بیدار	کفن چنین	۲۳۱
۳۰۶	ایمن و واقف راز نهانم مادر	مادر	۲۳۲
۳۰۷	نیزه شب خواب شد از دیده بدر	من و شب	۲۳۳
۳۰۹	ساقی پر کن دوباره جام را	ساقی نامه	۲۳۴